

امپراتوری آمریکا از نفس افتاده :

به سوی اخراج ایالات متحده آمریکا در خاور میانه ؟

میشل شوسودوسکی

Michel Chossudovsky

مرکز پژوهش‌های جهانی سازی، 8 ژانویه 2020



اهداف فرادست مدارانه و نظامی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه به آستانه بحرانی خود رسیده است.

قتل سپهبد سلیمانی از سپاه پاسداران انقلاب ایرانی که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا فرمان آن را در 3 ژانویه 2020 صادر کرد معادل اعلام جنگ علیه ایران است.

رئیس جمهور دونالد ترامپ سلیمانی را به توطئه چینی برای حملات قریب الوقوع و پلید متهم کرد : « ما شب گذشته برای پایان بخشیدن به جنگ دست به عمل زدیم. ما این کار را برای شروع جنگ انجام ندادیم (...) ما او را در حال ارتکاب گرفتیم و حذف کردیم.»

وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا مارک تی. اسپر^۱ این قتل را « اقدام دفاعی قاطعانه » ارزیابی کرد، و در عین حال گفت که عملیات به فرمان رئیس جمهور بود و از سوی پنتاگون هدایت شده است، و اسپر اظهار داشت که « قاعده بازی تغییر کرده است».

آنچه را که رسانه ها از قلم انداخته بودند، نقش مرکزی سپهبد سلیمانی علیه تروریستهای گروه های مسلح مانند « دولت اسلامی » [داعش] و القاعده در عراق و سوریه بود.

نیروی قدس در سپاه پاسداران انقلاب ایرانی به فرماندهی سپهبد قاسمی اردوی واقعی ضد تروریستی را علیه مزدوران مسلح داعش بر پا کرد که از آغاز ایالات متحده آمریکا و هم پیمانانش تأمین مالی آنان را به عهده داشتند، آموزش می دادند و استخدام می کردند.

طرح عملیاتی ترامپ برای «پایان دادن به جنگ» عبارت است از « حمایت » پیاده نظام وابسته به داعش و القاعده.

قتلهای غیر قانونی توسط ایالات متحده آمریکا

قتل سپهبد سلیمانی مطمئناً یک عمل جنایتکارانه از سوی رئیس جمهور ترامپ است، ولی پراتیک آمریکائی در قتل سیاستمداران خارجی به دیروز منحصر نیست.

آنچه قتل سپهبد سلیمانی را از دیگر قتل های فراقانونی تفکیک پذیر می کند، این است که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً اعلام کرد که هم او بوده که فرمان قتل را صادر کرده است.

این سابقه خطرناکی است. این قتل عمدی بوده و مانند عملیات سری سازمان سیا و پشتیبانی از گروه های وابسته به القاعده که به نام واشنگتن ارتکاب به عمل می کنند پنهانکاری نشده است.

موضوع مهمی را که باید یادآور شویم این است که نه ترامپ بلکه بطور مشخص اوباما بود که («قانونیت») پراتیک قتل فراقانونی را (به فرمان رئیس جمهور) رسماً اعلام کرد :

اگر رئیس جمهور (اوباما) بتواند هر فردی را به علاوه شهروندان آمریکائی را بدون تحقیقات قضائی به قتل برساند، چه قدرتی باقی می ماند که او در اختیار نداشته باشد؟ به این ترتیب رسمی ترین تفکیک بین دموکراسی و دیکتاتوری ریاست جمهوری برچیده می شود.^۲

¹ Mark t.Esper

² [Joseph Kashore, ws.org, 31 octobre 2012](http://JosephKashore.ws.org)

پاسخ ترامپ : یگانهای بیشتر در خاورمیانه

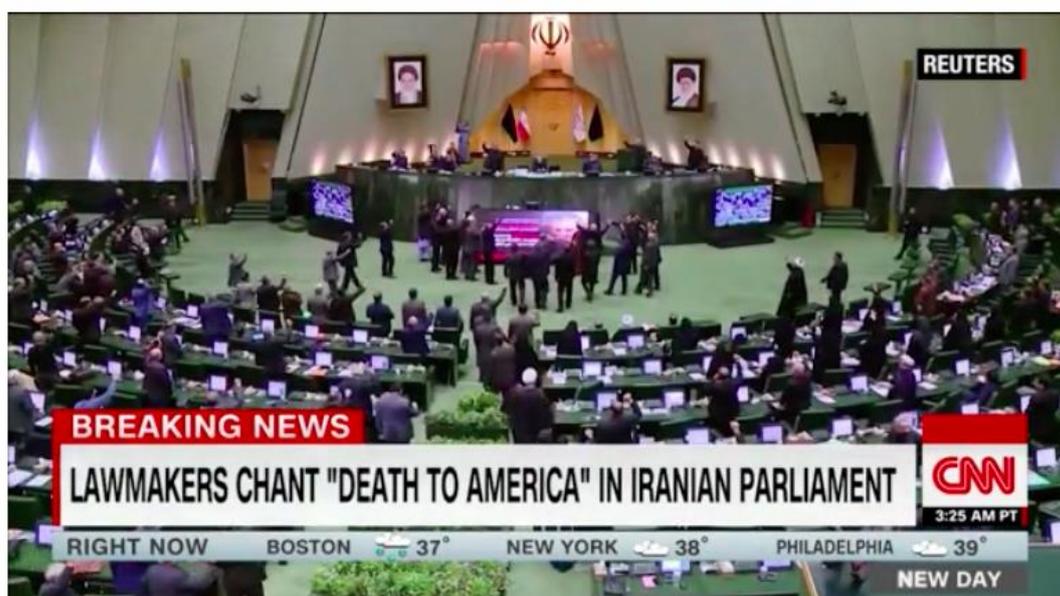
در مدتی که پنتاگون گسیل «هزاران سرباز بیشتر در خاورمیانه» را اعلام می کرد، پارلمان عراق با موافقت همگانی برای خروج فوری همه نیروهای آمریکائی رأی داد.

قانون اساسی دولت عراق را ملزم می داند که « به هر گونه حضور خارجی در خاک عراق پایان دهد و استفاده از حریم فضائی، زمینی و دریائی عراق را به هر دلیلی که باشد ممنوع کند ».

Iraqi Parliament votes for plan to end US presence in Iraq after Soleimani killing

By Eric Levenson, Fred Pleitgen, Schams Elwazer and Amir Vera, CNN

Updated 11:43 AM ET, Sun January 5, 2020



یادداشت : مرگ بر آمریکا : به دولت آمریکا اشاره دارد و نه مردم آمریکا

بازگشت به گذشته : حملات هوائی اوباما (2014-2017)

پارلمان عراق همچنین توافق پوچ 2014 با دولت اوباما را به حالت تعلیق درآورد که از ایالات متحده آمریکا دعوت می کرد که عملیات دروغین ضد تروریستی علیه گروه مسلح « دولت اسلامی » (داعش) را

مدیریت کند که متشکل از مزدوران مسلحی ست که از سوی ایالات متحده آمریکا و ناتو به پشتیبانی عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأمین مالی شده، آموزش دیده و به استخدام درآمده اند.

تصمیم پارلمان عراق از این جهت بنیادی ست. زیرا این عملیات از سوی دولت اوباما به بهانه ای برای توجیه سومین مرحله جنگ علیه عراق به کار برده شده بود (2014-2003-1991). در ژوئن 2014 است که اوباما دور تازه‌ای از کشتار و تخریب را زیر پوشش عملیات ضد تروریستی آغاز می کند.



چرا نیروی هوایی ایالات متحده از حذف داعش عاجز بود در حالی که در آغاز فقط به سلاح های سبک متعارف مجهز بودند، بی آنکه وانت های تویوتای درخشانشان را فراموش کنیم ؟

علت این است که از همان آغاز اردوی هوایی از سوی برنده جایزه نوبل صلح بارک اوباما علیه داعش هدایت نشده بود. دلایل تأیید می کند که دولت اسلامی هدف گرفته نشده بود، کاملاً بر عکس. حملات هوایی تخریب زیر ساختهای اقتصادی عراق و سوریه را هدف می گرفتند.

به تصویر کاروان کامیونتهای داعش در ورودشان به عراق نگاه کنید، آنها از سوریه آمده بودند، چگونه توانستند 200 کیلومتر در صحرای گسترده بین دو کشور را بپیمایند. این کاروان در ژوئن 2014 وارد عراق شد.



از دیدگاه نظامی، به چه چیزی نیاز بود تا این کاروان داعش که فاقد قابلیت دفاع هوایی مؤثر بود از بین برده شود؟

برای پاسخ به چنین پرسشی نیازی نیست که ما کارشناس مسائل نظامی باشیم. منطق عقلی ساده کافی خواهد بود.



اگر می خواستند بریگادهای داعش را حذف کنند، می توانستند با بمباران گسترده کاروان کامیونتهای توپوتا طی عبور از صحرا بین سوریه و عراق در ژوئن 2014 کارشان را یک سره کنند.

صحرای سوریه-عرب زمینی باز است (نقشه را ببینید). با هواپیماهای شکاری با فن آوری برتر (اف 15، اف 22 راپتور، اف 16) از دیدگاه نظامی عملیات «یک بازی کودکانه» بنظر می رسد، با یک حمله جراحی سریع و مؤثر می توانستند در چند ساعت کاروان داعش را نابود کنند.

ولی اگر این بمباران صورت می گرفت، می توانستند از تحمیل اردوی بمبارانی که نام کد آن «مسئولیت محافظت»³ بود و سه سال بطول انجامید (2014-2017) معاف شوند.

در واقعیت امر، بجای آن آنچه به وقوع پیوست حمله و بمباران هوایی بی وقفه بود که با به اصطلاح آزادی موصل (فوریه 2017) و رقه (اکتبر 2017) از سوی ائتلاف به فرماندهی ایالات متحده آمریکا به اوج خود رسید.

به ما باورانده بودند که داعش دست بالا را دارد و نمی توانیم آنها را شکست دهیم مگر با یک ائتلاف قوی نظامی متشکل از 19 کشور به فرماندهی ایالات متحده آمریکا.

ولی ساکنان عراق و سوریه بودند که هدف گرفته شده بودند. بمبارانهای اواما زیربناهای مدنی عراق و سوریه را هدف می گرفتند.

داعش هرگز هدف خشونت ایالات متحده آمریکا قرار نگرفت، کاملاً بر عکس، ائتلاف نظامی غرب از آن حمایت می کرد.

عقب نشینی گروه های نظامی ایالات متحده : یانکی برو به خانه ات (2020) Yankee Go Home

گرچه برای عقب نشینی عمده نیروهای نظامی آمریکا در آینده قابل پیشبینی احتمال اندکی وجود دارد، « جنگ ایالات متحده آمریکا علیه تروریسم» در تهدید بی اعتباری قرار گرفته و دیگر هیچکس به ایالات متحده آمریکا باور ندارد که علیه تروریستها اقدامی انجام دهد.

در عراق و سوریه همه می دانند که عناصر متشکل در القاعده و داعش از سوی ایالات متحده آمریکا و ناتو پشتیبانی می شوند.

روند اخراج ایالات متحده آمریکا («Yankee Go Home») به جریان افتاد. ایالات متحده آمریکا نه فقط از عراق و سوریه بیرون رانده می شود، بلکه حضور استراتژیک آن در خاورمیانه بزرگ نیز در تهدید قرار گرفته است. این دو وجهه در پیوند تنگاتنگ با یگدیگرند.

علاوه بر این چندین هم پیمان قدیمی ایالات متحده آمریکا که عبارتند از ترکیه، عمان، قطر و مصر مناسبات خودشان را با ایران به حالت عادی بازگردانده اند.

³ Responsabilité de protéger (R2P)

آیا بمباران تنبیهی ترامپ به اجرا گذاشته خواهد شد؟

اخیراً ترامپ هشدار داد که اگر تهران به قتل سپهبد سلیمانی پاسخ بگوید، او « 52 نقطه در ایران » را هدف قرار خواهد داد، و اظهار داشت که حملات « خیلی سریع و خیلی قوی » خواهند بود.



Donald J. Trump ✓
@realDonaldTrump



They attacked us, & we hit back. If they attack again, which I would strongly advise them not to do, we will hit them harder than they have ever been hit before!

twitter.com/dancrenshawtx/...

دونالد ترامپ می خواهد تلافی کند. ولی او یک مشکل مهم لوژیستیکی دارد که حتی شاید بدان آگاه هم نیست.

معمولاً یک عملیات تنبیهی از این نوع علیه ایران از ستاد پیشگام مرکز فرماندهی ایالات متحده در خاورمیانه که در پایگاه هوایی العدید در قطر واقع شده انجام خواهد گرفت.

«مرکز فرماندهی در رأس نیروهای ایالات متحده مستقر در کل خاورمیانه و برخی دیگر از مناطق آسیای مرکزی، در کشورهایمانند افغانستان و عراق واقع شده است. ستاد فرماندهی مرکزی آن در تمپا شهر بندری در غرب فلوریدا مستقر است، ولی عملیات رزمی روزمره از پایگاه هوایی العدید هدایت می شود.»

11000 نظامی آمریکائی در پایگاه العدید نزدیک دوحه به سر می برند « یکی از پایدارترین و استراتژیک ترینهای نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا در جهان است» (واشنگتن تایمز). چندین جنگ عمده در خاورمیانه از آنجا هماهنگ شده بود، به ویژه در افغانستان (2001) و عراق (2003). این پایگاه در سوریه نیز مداخله دارد.

مشکل پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی ایالات متحده این است که در پایگاه العدید در قطر واقع شده، و از ژوئن 2017، قطر « با دشمن همخوابگی می کند». مشکل این است که قطر به هم پیمان وفادار ایران تبدیل شده.



آنچه را که رسانه ها و تحلیل گران کارشناس در امور خارجی و نظامی در نظر نمی گیرند، این است که ستاد پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی در پایگاه العدید واقع شده به این معنا که عملاً «در سرزمین دشمن» به سر می برد. گوئی که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به هیچ وجه در جریان این وضعیت نیست.

چند ماه پیش (اکتبر 2019) پنتاگون تصمیم گرفت پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی در العدید را به نقطه دیگری در خاورمیانه منتقل نکند.

چنس سالتزمن⁴ معاون فرمانده مرکز فرماندهی اظهار داشت که « قطر همیشه همکار استثنائی بوده، این پایگاه عملیاتی واقعاً عالی ست و مرکز فرماندهی قصد ندارد به جای دیگری برود».

اطلاعات سر هم بندی شده یا طرح نظامی ناقص؟ قطر « همکار استثنائی » نیست، از ژوئن 2017 عملاً به همپیمان ایران تبدیل شده است.

خیلی اخیر تر، موضوع مناسبات نظامی دو جانبه بین ایران و قطر مطرح شده بود.

پس از اینکه تصمیم بر این شد که العدید (واقع در سرزمین دشمن) نمی تواند به مکان دیگری در خاورمیانه منتقل شود، پنتاگون ب فکر افتاد که عملیات هوایی و فضائی در العدید را به کارلونیای جنوبی منتقل کند، « 7000 مایل دورتر». شبیه سازی جابجائی برنامه ریزی شده فقط 24 ساعت بطول انجامید.

⁴ Chance Saltzman

Iran, Qatar discuss ways to boost military cooperation



TEHRAN, Mar. 04 (MNA) – Iran and Qatar military officials met on Sunday in Doha to confer on ways to enhance bilateral cooperation in different fields.

The newly-appointed Iranian military attaché to Qatar, Colonel Mohammad Reza Alishahi, held a meeting with Chief of Staff of the Qatari Armed Forces, Lieutenant-General (Pilot) Ghanem bin Shaheen Al Ghanem.

According to the following tweet by the official account of Qatari Ministry of Defense, the two sides discussed the latest status of bilateral ties as well as ways to expand military ties between the two countries.

نتیجه : در واقع نمی توانیم « جنگی را در خاورمیانه آغاز کنیم» بی آنکه « پایگاه پیشگام» در محل داشته باشیم. از همین رو پیشنهاد انتقال به کالیفرنیا جنوبی مسخره از آب درآمد.

طرح های نظامی ایالات متحده آمریکا آیا به ناامیدی انجامیده است ؟

از ماه مه 2017، پس از فروپاشی شورای همکاری خلیج (فارس)، پنتاگون نتوانست پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی ایالات متحده آمریکا (به علاوه نیروی ضربت هوایی) از سرزمین دشمن (قطر) به «سرزمین دوست» (عربستان سعودی، اسرائیل) در خاورمیانه بزرگ منتقل کند.

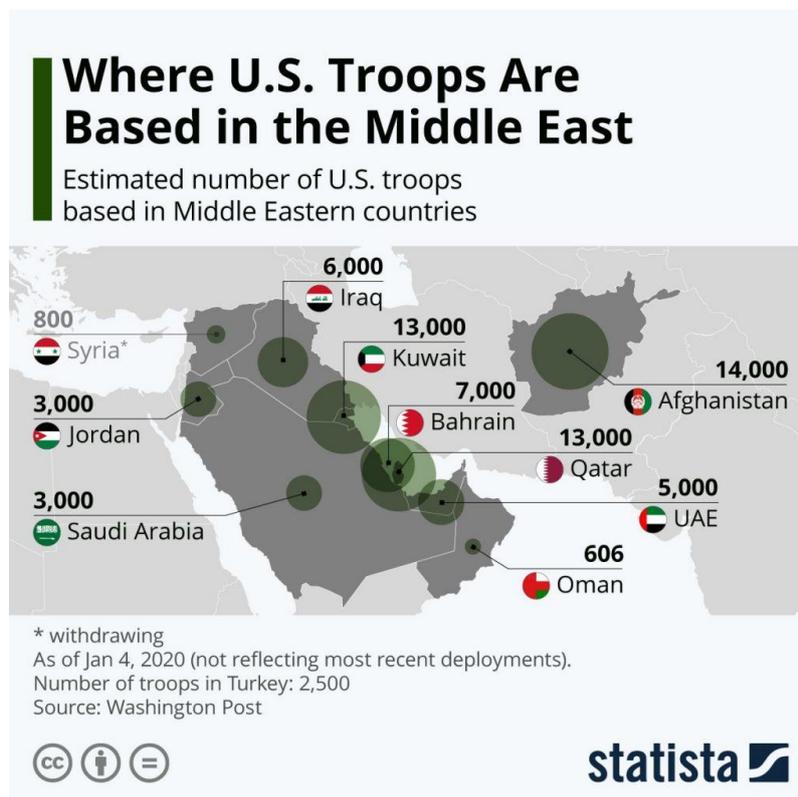


تحلیلگران نظامی امروز تأیید کرده اند که در صورت جنگ با ایران، العدید به طریق اولی به نخستین هدف تبدیل خواهد شد.⁵ « سامانه دفاع پایگاه ظاهراً تجهیزات کاملی برای دفاع از خودش در مقابل موشکهای کروز و پهپادهائی که در ارتفاع پست پرواز می کنند در اختیار ندارد (...).»

آقای رئیس جمهور، چگونه می توانید بمبارانهای تنبیهی خودتان را از سرزمین دشمن و همپیمان نزدیک دشمن علیه ایران به اجرا بگذارید؟

از دیدگاه استراتژیک این وضعیت هیچ مفهومی ندارد. و این فقط نوک کوه یخی ست. بمباران و حمله موشکی می تواند از پایگاه های نظامی دیگر ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه انجام گیرد (نمودار را ببینید)، یا از دیگو گارسیا، از ناو هواپیمابر، زیر دریائی و مانند اینها. ولی پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی در العدید در قطر نقش اول را در ساختار فرماندهی وابسته به ستاد فرماندهی مرکزی در تمپا در فلوریدا و فرماندهی استراتژیک ایالات متحده آمریکا (USSTRATCOM) در پایگاه نیروی هوائی اوففوت در نبراسکا را می باشد.

⁵ [Al-Udeid deviendrait une cible prioritaire.](#)



گرچه قطر و ایالات متحده آمریکا قرارداد همکاری دو جانبه دراز مدت در مورد پایگاه هوایی العدید بسته اند، ولی قطر در عین حال قراردادهای همکاری نظامی نه فقط با ایران بلکه با حماس و حزب الله نیز به امضا رسانده که همه «دشمنان» ایالات متحده آمریکا هستند :

مشکل برای واشنگتن، این است که قطر، یعنی جایی که العدید در آنجا واقع شده، همچنین مناسبات دوستانه با جنبش مقاومت اسلامی مستقر در غزه (حماس) دارد و نزدیک به رهبران حزب الله است (...). [قطر به همچنین مناسبات تنگاتنگی با ایران دارد. در واقع اگر بزرگترین پایگاه هوایی ایالات متحده آمریکا در قطر واقع نشده بود، قطر از سوی ایالات متحده آمریکا برای تغییر رفتارش زیر فشار قرار می گرفت.

برای تاجگذاری روی این همه، قطر به همچنین با روسیه نیز مناسبات دوستانه دارد. چنانکه دیدیم اندکی پس از شکاف بین قطر و عربستان سعودی، توافق همکاری فنی در زمینه پدافند هوایی با مسکو به امضا رساند.

پایگاه هوایی انجیرلیک در ترکیه

وضعیت دیگری که دوباره «تخت خواب مشترک با دشمن» بر پایگاه هوایی انجیرلیک ارجحیت پیدا می کند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در سالهای 1950 در این پایگاه مستقر شد. انجیرلیک در همه عملیات ایالات متحده آمریکا و ناتو در خاورمیانه نقش استراتژیک بازی می کند. در این پایگاه تقریباً

5000 هوانورد به سر می برند، نیروی هوایی ایالات متحده امروز در کشور (ترکیه) متحد روسیه و ایران یعنی کشورهای همسایه ترکیه که مناسبات خوبی با یکدیگر دارند واقع شده است. از سوی دیگر، شورشیانی که از سوی ترکیه و ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می شوند در شمال سوریه علیه یکدیگر اقدام می کنند.

در اواسط دسامبر 2019، وزیر امور خارجه ترکیه چاووش اوغلو موضوع تحریک آمیز و جنجال برانگیزی را مطرح کرد و گفت «در پاسخ به تحریمهایی که ایالت متحده پس از خرید سامانه دفاع هوایی اس 400 روسی علیه ترکیه اعلام کرد، ترکیه ممکن است استفاده از دو پایگاه هوایی استراتژیک [انجیرلیک و کورچیک] را برای آمریکا ممنوع اعلام کند».

توان ایالات متحده آمریکا در جنگ متعارف

به چند دلیل، فرادستی ایالات متحده آمریکا در خاومیانه رو به افول بوده و علت این امر نیز به ویژه به سرشت متغییر اتحادهای نظامی بستگی دارد.

قابلیت فرماندهی ایالات متحده آمریکا دچار ضعف شده است. دو پایگاه هوایی استراتژیک مهم، انجیرلیک (در ترکیه) و العدید (در قطر) دیگر زیر کنترل پنتاگون نیست.

گرچه جنگ علیه ایران روی میز طراحی پنتاگون به سر می برد، در وضعیت کنونی، یک جنگ برق آسا (در صحنه جنگ متعارف) با الزام گسیل و استقرار نیروهای زمینی و دریایی ناممکن است.

ایالات متحده آمریکا با توجه به فقدان توان در اجرای چنین طرحی، اشکال متنوعی از «جنگ محدود» را در نظر گرفته است، به علاوه حملات موشکی، «عملیات مشت کوبنده» (با استفاده از سلاح های اتمی تاکتیک)، مانورهای سیاسی بی ثبات ساز و انقلابهای رنگی (که در جریان است)، تحریم های اقتصادی، تحریف بازارهای مالی و اصلاحات اقتصاد کلان نئولیبرال (تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول FMI و بانگ جهانی).

گزینه هسته ای علیه ایران

مشخصاً به دلیل ضعف ایالات متحده در فصل جنگ متعارف است که گزینه هسته ای می تواند در نظر گرفته شود، گزینه ای که بی گمان به شکل اجتناب ناپذیری به اوج گیری آن خواهد انجامید. ناآگاهی و حماقت عواملی هستند که روند تصمیم گیریها را زیر سؤال می برد. به گفته تحلیلگر امور خارجی ادوارد کورتین⁶ «دیوانه ها دیوانگی می کنند».

⁶ Edwards Curtin

دیوانه هائی که پُست های کلیدی در تصمیم گیریها را به عهده دارند چه کسانی هستند؟

مشاوران ترامپ در زمینه سیاست خارجی، مانند وزیر امور خارجه مایک پمپئو، مشاور امنیت ملی رابرت اوبریان و نماینده ویژه برای ایران و مشاور پمپئو برایان هوک می توانند به رئیس جمهور ترامپ « مشاوره » بدهند و او را مجاز بدانند که « عملیات مشت کوبنده » را به وسیله سلاح هسته ای تاکتیک (سنگر کوب B61) علیه ایران به کار برد، که پنتاگون آن را در گروه سلاح های « بی آزار » دسته بندی کرده و می گوید که « برای انسانها خطرناک نیست زیرا در عمق زمین منفجر می شود»^۸.

عملیات مشت کوبنده که پنتاگون آن را تعیین کرده عملیات نظامی ست (به وسیله سلاح اتمی تاکتیک با قدرت تقلیل یافته «قابل استفاده تر») که « خسارات را در ابعاد کوچک » وارد می کند. ولی این ادعا کاملاً اشتباه است، زیرا قدرت انفجاری سلاح اتمی تاکتیک 3 تا 12 برابر بیشتر از بمبی ست که در گذشته روی هیروشیما پرتاب شد.

به گفته بولتن دانشمندان اتمی (ژوئیه 2019)^۹:

تنش بین ایالات متحده آمریکا و ایران، این دو کشور را به سوی برخورد نظامی سوق می دهد و سپس این احتمال واقعی را برمی انگیزد که ایالات متحده آمریکا از سلاح های اتمی استفاده کند.

کل ساخت و سازهای توان نامتعارفی که ایران برای مقاومت مؤثر در مقابل ایالات متحده آمریکا تدارک دیده این نوع برخورد را نیز تضمین کرده است.

تجهیزات هسته ای ایالات متحده آمریکا^{۱۰} در محل به دولت ترامپ اجازه می دهد تا استفاده از سلاح های اتمی تاکتیک در صحنه جنگ متعارف را مد نظر داشته باشد. برخی در درون دولت ترامپ ممکن

⁷ مترجم : با توجه به تهدید اتمی آمریکا علیه ایران، کشور ایران امضا کننده منع گسترش سلاح های هسته ای، مبنی بر همان منشور منع گسترش، و به دلیل تهدید آشکار اتمی یک کشور دارنده سلاح اتمی، از دیدگاه قوانین بین المللی مجاز است برای پاسخگویی و یا بازدارندگی به ساخت سلاح اتمی بپردازد. به سخن دیگر بنظر می رسد که ایالات متحده آمریکا با تحریکات اتمی در پی گسترش سلاح اتمی در جهان است، در حالی که منافع عموم مردم جهان در گسترش سلاح هسته ای نیست و خلع سلاح اتمی کشورهای دارنده این سلاح را مطالبه می کند.

⁸ مترجم : خوانندگانی که می خواهند در زمینه سلاح های اورانیوم ضعیف شده بیشتر بدانند به وبلاگ من در لینک ذیل مراجعه کنند : ویژه کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده در جنگهای معاصر : <http://stopua.blogfa.com>
در واقع علاوه بر تخریب هسته ای تاکتیک که تفاوت چندانی با بمب اتمی ندارد (فقط شش برابر بمب هیروشیما - ناکازاکی اگر به درستی بخاطر داشته باشیم، در هر صورت بریا ما در اینجا فرقی نمی کندف شوسودوسکی از 3 تا 12 برابر بمب هیروشیما یاد کرده است) ، به معنای تبدیل عمق زمین «دشمن» به اشغالدانی هسته ای ست، زیرا بمب های تاکتیکی اورانیوم ضعیف شده از اشغاله های اتمی بدست می آید. بی 61 یعنی اشغال هسته ای. و ناگفته نگذاریم که همانگونه که بمباران شیمیایی ویتنام، لائوس و کامبوج به تولد نسل جدیدی از کودکان به نام «کودکان دی اکسین» (یا کودکان هیولائی) انجامید و هنوز هم ادامه دارد، کاربرد سلاح های اتمی تاکتیک نیز به ظهور کودکان اورانیوم انجامیده و مقدماً در بین فرزندان خود سربازان آمریکائی. گویا آمریکا در خاک خود آمریکا خیلی بیشتر در جنگهای تلفات می دهد، ده ها هزار سرباز آمریکا پس از جنگ عراق به بیماریهای درمان ناپذیری مبتلا شدند، عده ای از آنها در آمریکا در گذشته اند و برخی دیگر با بیماریهایشان دست و پنجه نرم می کنند. دشمنی نظام سرمایه داری علیه بشریت بی مرز است و دوست و دشمن نمی شناسد : خیلی صریح و ساده : نظام سرمایه داری دشمن بشریت است. در نتیجه پنتاگون درباره بمب سنگر کوب دروغ می گوید.

⁹ [Bulletin des scientifiques atomistes \(juillet 2019\)](#)

¹⁰ [dispositif nucléaire des USA](#)

است فکر کنند که به نفع ایالات متحده آمریکا است که با استفاده از زرادخانه هسته ای به پیروزی قاطع و سریع در چهار راه نفت خلیج فارس دست یابند.

ما فکر می کنیم که احتمالی فزاینده ای وجود دارد که جنگ ایالات متحده آمریکا و ایران به حمله اتمی آمریکا بیانجامد (...)

نکته مهم این است که استفاده از سلاحهای اتمی تاکتیک مستلزم اجازه فرمانده کل نیست. ولی این مجوز شامل سلاح های هسته ای استراتژیک نمی شود.

زرادخانه سلاح های اتمی تاکتیک نیروی هوایی ایالات متحده در پایگاه های نظامی واقع در پنج کشور اروپایی (آلمان، بلژیک، هلند، ایتالیا و ترکیه) ذخیره شده است.

US Nuclear Weapons In Europe 2014			
Country	Base	Vaults	B61s
Belgium	Kleine Brogel	11	20
Germany	Buchel	11	20
Italy	Aviano	18	50
	Ghedi Torre	11	20
Netherlands	Volkel	11	20
Turkey	Incirlik	25	50
Total		87	180

- Current deployment at six bases in five countries
- 4 national bases for delivery by national aircraft; 2 US bases for delivery by US aircraft
- 87 underground storage vaults (348 capacity); additional vaults at other bases in caretaker status
- Despite reduced readiness compared with Cold War, weapons are stored near delivery aircraft
- Additional weapons stored in the United States

به گفته هانس کریستنسن و مت کوردا (بولتن دانشمندان هسته ای، گزارش 2019)¹¹، ایالات متحده دارای 230 سلاح هسته ای تاکتیک است که 180 فرزند آن در پنج کشور اروپایی ذخیره شده است. برخی بمبهای ضد سنگر B61 مسلح به کلاهکهای هسته ای (بمب های پرتاب آزاد) در انجیرلیک زیر کنترل ترکیه ذخیره شده اند (تابلوی زیر را ببینید).

نتیجه گیری

* رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا آماده برای ارتکاب به جنایت جنگی.

* داستان « جنگ علیه تروریسم » رنگ می بازد

* ساختار فرماندهی تضعیف می شود

¹¹ [Hans Kristensen et Matt Korda \(Bulletin des scientifiques atomistes\)](#)

* اتحادهایی که فرومی پاشند

* همبستری با دشمن

* تحلیلگران سیاست خارجی پیشبینی ناپذیر

* فریبکاریها و اشتباهات

در حال حاضر، قدرتمندترین سلاح آمریکا دلاریزاسیون، اصلاحات اقتصادی نئولیبرال و توان تحریف بازارهای مالی است.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/lempire-america-in-a-bout-de-souffle-vers-l'expulsion-des-usa-du-moyen-orient/5640331>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس / 14 ژانویه 2010